

نصوص دینی و نقش انسان در معماری مسجد

مهندس محمد کاظم سیفیان*

«إِنَّمَا يُعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى
أُوتِيكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ.»

(قران کریم، سوره توبه، آیه ۱۸)

عمارت مساجد خدا بایستی به دست کسی انجام گیرد که به خدا
و روز قیامت ایمان آورده و نماز بیاداشته و زکوة بپردازد، و جز از
خدا از کسی نترسد، امید است که اینان از هدایت یافتگان باشند.

چکیده:

در ساخت و ساز و عمارت مساجد از بُعد اعتقادی و عامل بودن به احکام
دینی در گذشته دقت زیادی بعمل می آمده است و هر شخصی صلاحیت مسجد
سازی را نداشته است و هرگاه می خواستند کلنگ اولیه مسجد را بر زمین بزنند از
متقی ترین و پاک ترین افراد برای این امر استفاده می کردند، یعنی می توان گفت
دقیقاً این بخش از آیه ۱۰۸ سوره توبه: «... لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ
أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...» در ایجاد بنای مساجد رعایت می گردیده است و همیشه
بانیان و معماران و سازندگان مساجد نقش مهمی در مقبولیت مساجد داشته اند و
اگر مسجدی از طریق حکام و یا سلاطین که اغلب بنا گردیده است معمولاً کاربرد
تشریفاتی و حکومتی داشته است که در شهرهایی که پایتخت بوده است از اینگونه
مساجد به چشم می خورد مانند مسجد شاه و مسجد سپهسالار^(۱) در تهران و
اینگونه مساجد به عنوان مساجد غیر مردمی مشهور بوده است، لذا بحثی که به
عنوان نصوص دینی و نقش انسان در معماری مسجد خواهیم داشت، دقت و توجهی در
آیه ۱۸ سوره توبه و نیز تعدادی از احادیث و روایات معصومین سلام الله علیهم
اجمعین درباره ساخت و ساز مسجد خواهد بود.

کلید واژه:

الله، رسول اکرم ﷺ، قرآن، معصومین علیهم السلام، آخرت، نماز، زکوة،
ایمان، مسجد، انسان، تقوی، معماری، کالبد، محتوی.

* استادیار گروه آموزشی معماری، دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران.

هرگونه کالبد معماری به عنوان یک ظرف، بایستی ارتباط تنگاتنگ و ناگسستنی با منظروف خود داشته باشد و چنانچه معماری ما عاری از این ارتباط باشد، معماری موفق نخواهد بود و لذا برای دستیابی به یک معماری مطلوب ابتدا بایستی شناختی از منظروف مورد نظر داشته باشیم و یا به عبارت دیگر برای اینکه قالبی متناسب با محتوا داشته باشیم بایستی در مسیر حرکت خود سیر از سؤال به جواب که منتهی به قالب یا کالبد معماری می‌گردد حرکت درستی طی کنیم و یا به بیان دینی در صراط مستقیم حرکت نمائیم. بدیهی است چنانچه موفق گردیم اینگونه عمل نمائیم معماری ما یک معماری اسلامی خواهد بود که این بحث می‌تواند یکی از مباحث مهم مبانی نظری معماری اسلامی باشد. و اگر خلاف این عمل نمودیم یعنی کالبد یا قالب معماری ما هیچگونه ارتباط و هماهنگی با محتوی نداشت، قالب مورد نظر اگر مسجد هم باشد، معماری اسلامی نخواهد بود و شاید بتوان گفت که در ردیف مسجد ضرار^(۲) خواهد بود، زیرا به عنوان الگوئی گمراه‌کننده می‌باشد که متأسفانه این انحراف در طول تاریخ بدست خلفای فاسق بنی‌امیه اتفاق افتاده است. مثلاً با خراب کردن مسجد النبی که سادگی آن می‌توانست الگوی خوبی برای فرهنگ مسجدسازی باشد، ایجاد مساجد تجملی سنت گردید که به جرأت باید گفت علیرغم تعریف و تمجید مستشرقین و بیگانگان به بیراهه رفته‌ایم و متأسفانه به همان نسبت که مساجد ما تجملی گشته است معنویت و ایمان ما سیر نزولی داشته است، و این سیر انحرافی خارج از صراط مستقیم حتی برای دوران بعد از امویه هم الگو بوده است

که با کمال تأسف، ما امروز وارث آن هستیم.

به نظر می‌رسد یکی از وظایف مهم دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در نظام اسلامی اصلاح و دگرگونی این انحراف باشد که انحراف کمی نیست، زیرا مساجد به عنوان مهمترین پایگاه عقیدتی، سیاسی-اجتماعی مسلمانان می‌باشد و محتوای حاصل از این کالبد معماری مساجد امروز ما نمی‌تواند آنطوری که شایسته نظام اسلامی ما است جامعه ما را به جلو ببرد، و خدا نیاورد آن روزی که سازندگان مساجد ما مشمول این آیه از قرآن کریم در سوره حجر گردیده و در دام شیطان بیفتند. آنجا که شیطان می‌گوید: «قال رب بما أغويتني لأزينن لهم في الارض و لأغويهم أجمعين» (سوره حجر، آیه ۲۹) «و نکند که این تزئینات فریبنده اعم از کاشیکاریهای آنچنانی و سنگهای پُر زرق و برق و الوان در بنای مساجد تا فرش‌های گران قیمت برای مفروش کردن آن از اغوا شیطان باشد و ما همچنان سرمست تعریف و تمجید چند توریست خارجی باشیم که آنها با وضعیت بسیار زنده و ناپاک به حریم مکانهای مقدس ما وارد می‌گردند و متأسفانه متولیان مساجد ما هم آنها را بر نمازگزاران و مسلمانان ترجیح می‌دهند تا جایی که برپائی و اقامه نماز در مساجد تاریخی ممنوع است و این مساجد رسماً تبدیل شده است به موزه و مکانی برای تماشای مردم و بعضاً افراد غیرمسلم و ناپاک، و این را از افتخارات ملی هم بحساب می‌آوریم...!»

البته جای امید در همین سوره حجر باقی است یعنی همان شیطان اغواکننده در مقابل عباد مخلص اظهار عجز می‌کند و می‌گوید: «إلا عبادك منهم المخلصين» (سوره حجر، آیه ۴۰) و پروردگار متعال در آیه بعد می‌فرماید: «قال هذا صراط علی مستقیم» (سوره حجر، آیه ۴۱) یعنی در عباد مخلص شیطان راهی ندارد و در واقع همان اخلاص یعنی خالص نمودن شخص برای خدا انسان را در

صراط مستقیم که نهایتاً به سوی خداست راهبری می‌کند.

حال چگونه بایستی حرکت نمائیم که در صراط مستقیم باشیم و نهایتاً به بندگان مخلص تبدیل گردیم و پس از آن شایستگی ایجاد بنای مسجد مورد نظر قرآن را داشته باشیم. یعنی مشمول این آیه از قرآن کریم «إنا يعمر مساجد الله من امر بالله و اليوم الآخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة و لم یخس إلا الله فعی اولئك ان یکنوا من المهتدین»^(۳) که در صدر آمده است گردیم، ان خود موضوع اصلی این مقاله می‌باشد که همان طوری که از متن آیه استفاده می‌شود، نقش انسان در معماری مسجد مشخص می‌گردد. آنهم انسان مؤمن و معتقد به خدا و روز قیامت و برپادارنده نماز و پرداخت‌کننده زکوة و شجاع و خداترس که فقط از خدا می‌ترسد. به عبارت دیگر بایستی از میان انسانهای معتقد، شجاع و خداترس که اعتقاد به برپائی نماز دارند برای ایجاد مساجد استفاده کرد و اگر طبق آیه مذکور عمل نمائیم کالبد و فضای معماری مساجد ما یقیناً با محتوا هماهنگ خواهد شد و راه و روش ما صراط مستقیم قرآنی خواهد بود.

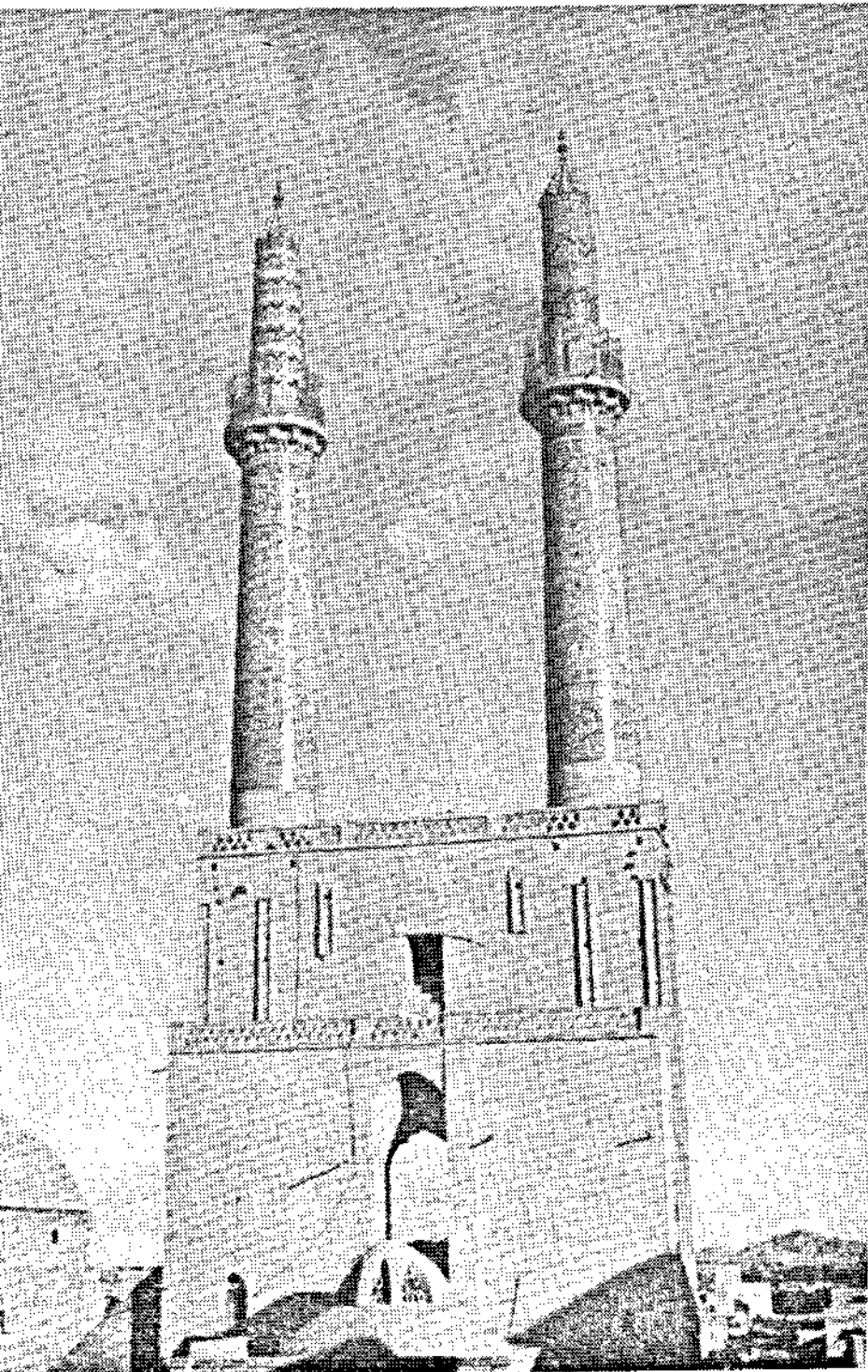
شرایط انسان در معماری مسجد:

آیه ۱۸ از سوره توبه اولین و مهمترین دستورالعمل برای معماری مسجد می‌باشد و جای تأسف اینجا است که این ندا برای کل جامعه اسلامی مهندسی و علمی هنوز بیگانه است و دلیل آن اینست که اغلب در کنکورهای معماری مسجد، چنین شرطی رعایت نمی‌گردد. تا آنجا که بعضاً مشاهده شده است که از افراد کاملاً غیرمسلمان و مخالف با شریعت برای طراحی و نظارت مسجد استفاده گردیده است. در صورتی که در جوامع اسلامی سراسر جهان هرجا که تصمیم به ایجاد مسجد و یا تعمیر

و مرمت آن باشد بایستی مشمول این آیه گردد و چنانچه دقت نمائیم می‌بینیم که با کلمه «انما» این حق منحصر در مؤمنین گردیده زیرا در آیه قبل که با عبارت «ماکان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالکفر» (توبه - ۱۷) این حق را از مشرکین و کفار سلب کرده است، شاید تصور گردد که تنها به صرف مشرک نبودن می‌توان نسبت به آبادانی مسجد اعم از ایجاد، تعمیر و یا مرمت همت گمارد که آیه بعد با عبارت: «انما یعمر مساجد الله من امن بالله والیوم الاخر...» متذکر می‌گردد که صرف مشرک نبودن کافی نیست بلکه برای آبادانی مسجد غیر از مسلمان بودن شرایط ویژه‌ای لازم است که آیه بیان نموده است و همانطوری که اشاره گردید، با کلمه «انما» قرآن عمل عمارت و آبادانی مسجد را منحصر به شخص مؤمن نموده است. یعنی قبل از هرگونه اقدام عملی و اجرایی که آنهم مسلماً مشمول همین آیه می‌گردد، هرگونه فکر و طراحی اولیه مسجد هم بایستی مصداق آیه مذکور باشد و بایستی توجه نمود که آیه شامل تمام انسانهایی که دخالت در عمران دارند می‌گردد و دیگر فرقی بین مهندس و معمار و کارگر ندارد، یعنی همه افراد یا به اصطلاح امروزی تیم مسجدمساز بایستی مشمول این آیه گردند.

ایمان به خدا و ایمان به آخرت:

حال برمی‌گردیم و توجهی به کلمات آیه مذکور می‌کنیم و می‌بینیم که اولین شرط، ایمان به خدا و ایمان به آخرت است؛ یعنی اگر فرض ما براین باشد که پس از برنامه‌ریزی مسجد، اولین کسی که طراحی مسجد را بایستی شروع نماید معمار یا به اصطلاح آرشیکتکت می‌باشد که بایستی برخوردار از این شروط باشد و در غیر اینصورت حق دخالت در



سردر بلند مسجد جامع کبیر یزد از طرف پشت (جانب غربی) مربوط به قرن ۸ و ۹ هـ

عمران و آبادانی مسجد را ندارد. و لذا لازم است در مورد این شروط «یعنی ایمان به خدا و روز قیامت و برپا داشتن نماز و ...» و تأثیر و تبلور آن را در معماری مسجد و متقابلاً تأثیر معماری مسجد در مردم خداجوی و کسانی که در مساجد حضور پیدا می‌کنند بررسی نمائیم.

ایمان به خدا یعنی چه و چرا لازمه عمارت مسجد می‌باشد و تأثیر این ایمان بر معماری مسجد چگونه است؟ و این همان چیزی است که هدف اصلی ما است و لذا برای درک بیشتر نسبت به کلمه ایمان بهترین راه و صحیح‌ترین آن اینست که از همین کتاب آسمانی استمداد جوییم. در دومین سوره از قرآن کریم یعنی سوره بقره چنین آغاز می‌گردد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ • اَلَمْ • ذَلِكِ الْكِتَابِ لَارِيبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ • الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ • وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ • أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

اگر این آیات را یعنی پنج آیه اول سوره بقره را در کنار آیه ۱۸ از سوره توبه قرار دهیم ملاحظه می‌کنیم که شروط عمران و آبادانی مسجد دقیقاً در این آیات نهفته است، یعنی ایمان به خدا که همان ایمان به غیب است و اقامه صلوة و اعتقاد به آخرت و پرداخت زکوة و انفاقات، و جالب اینجاست که در پایان آیه ۱۸ سوره توبه و ابتدا و انتهای آیات مربوط به سوره بقره مسأله هدایت مطرح می‌باشد، یعنی چراغ و نوری که راه را برای طی مراحل بعدی روشن می‌کند و اگر چنین شروطی را معمار مسجد دارا بود از نور هدایت برخوردار خواهد شد و این نور مسلماً در کالبدی که بوجود می‌آورد تجلی خواهد داشت، یعنی تأثیر هدایت پروردگار در معماری مسجد و متقابلاً تأثیر کالبد

بوجود آمده در روح و روان اشخاصی که در مسجد حضور پیدا می‌کنند متبلور می‌گردد، یعنی آنها نیز مشمول هدایت پروردگار قرار خواهند گرفت.

همانطوری که اشاره گردید شروط آیه سوره توبه برای عمران و آبادانی مسجد نزدیک با محتوای پنج آیه ابتدای سوره بقره است، با این تفاوت که در آیات سوره بقره ایمان به خدا و کتب آسمانی قبلی نیز شرط است، یعنی بدون داشتن این اعتقاد کسی از هدایت قرآن بهره‌مند نخواهد گردید یعنی بایستی اعتقاد به نبوت که یکی از اصول دین می‌باشد را دارا بود و اما خود کلمه ایمان از زبان وحی و احادیث و روایات معصومین علیهم‌السلام دارای لطایفی است که بایستی در آن دقت نمود.

در سوره حجرات آیه ۱۴ خداوند می‌فرماید: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَأَمَّا قُلُوبُنَا لَمْ نُوْمِنُوا وَلَكِن قَوْلُوا أَسْلَمْنَا لَمَّا دَخَلْنَا الْإِيمَانَ فِي قُلُوبِكُمْ: اعراب گفتند ایمان آوردیم، بگو ایمان نیاوردید، بلکه بگوئید اظهار اسلام کردیم، هنوز ایمان به دل‌های شما در نیامده است.

طبق این آیه تفاوت بین «اسلام» و «ایمان» در این است که «اسلام» شکل ظاهری قانونی دارد و هر کس شهادتین را بر زبان جاری کند در سلک مسلمانان وارد می‌شود و احکام اسلام بر او جاری می‌گردد. ولی ایمان یک امر واقعی و باطنی است و جایگاه آن قلب آدمی است نه زبان و ظاهر او، «اسلام» آوردن اشخاص ممکن است انگیزه‌های مختلفی داشته باشد، حتی انگیزه‌های مادی و منافع شخصی، ولی «ایمان» می‌فرماید: «الاسلام علانیه و الایمان فی القلب»، یعنی: «اسلام امر آشکاری است، ولی جان ایمان دل است»^(۴) به عبارتی «اسلام» منحصر در اقرار لفظی شمرده شده در حالی که «ایمان» اقرار توأم با عمل معرفی شده است، و یا می‌توان چنین گفت: هر

مؤمنی مسلمان است ولی هر مسلمانی مؤمن نیست، البته بایستی توجه داشت این تفاوت مفهومی در صورتی است که این دو یعنی «اسلام» و «ایمان» در برابر هم قرار گیرند، اما هرگاه جدا از هم ذکر شوند ممکن است اسلام بر همان چیزی اطلاق شود که ایمان بر آن اطلاق می‌گردد، یعنی هر دو دارای یک معنی خواهند بود.

و از آنجا که دست یافتن بر این امر باطنی یعنی ایمان، کار چندان آسانی نیست، در آیه بعد از همین سوره حجرات به ذکر نشانه‌هایی می‌پردازد و می‌فرماید: «أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ: مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آوردند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه ندادند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنها راستگویانند.» (۱۵ - حجرات)

در این آیه نخستین نشانه ایمان عدم تردید و دودلی در مسیر اسلام است و نشانه دوم جهاد در راه خدا با مال و جان می‌باشد و چگونه ممکن است ایمان در قلب انسان راسخ باشد در حالی که از بذل مال و جان در راه خدا مضایقه نماید و لذا در پایان آیه می‌فرماید چنین کسانی راستگو هستند یعنی آنهایی که ادعای ایمان می‌نمایند و چنین نیستند کاذب و دروغگو هستند.

این معیاری که قرآن برای شناخت مؤمنین راستین از دروغگویان متظاهر به اسلام بیان کرده است معیاری است روشن و گویا برای همه اعصار و زمانها و برای جداسازی مؤمنان واقعی از مدعیان دروغین، یعنی کسانی که دم از اسلام می‌زنند ولی در عمل کمترین نشانه‌ای از ایمان و اسلام در آنها دیده نمی‌شود.

پرورش می‌دهد، ارزشهای انسانی را در او زنده می‌کند، استعدادهای والای او را شکوفا می‌سازد، علم و قدرت و شهامت و ایثار و فداکاری و عفو و گذشت و اخلاص به او می‌دهد، و از موجودی ضعیف، انسانی نیرومند و پر ثمر می‌سازد.

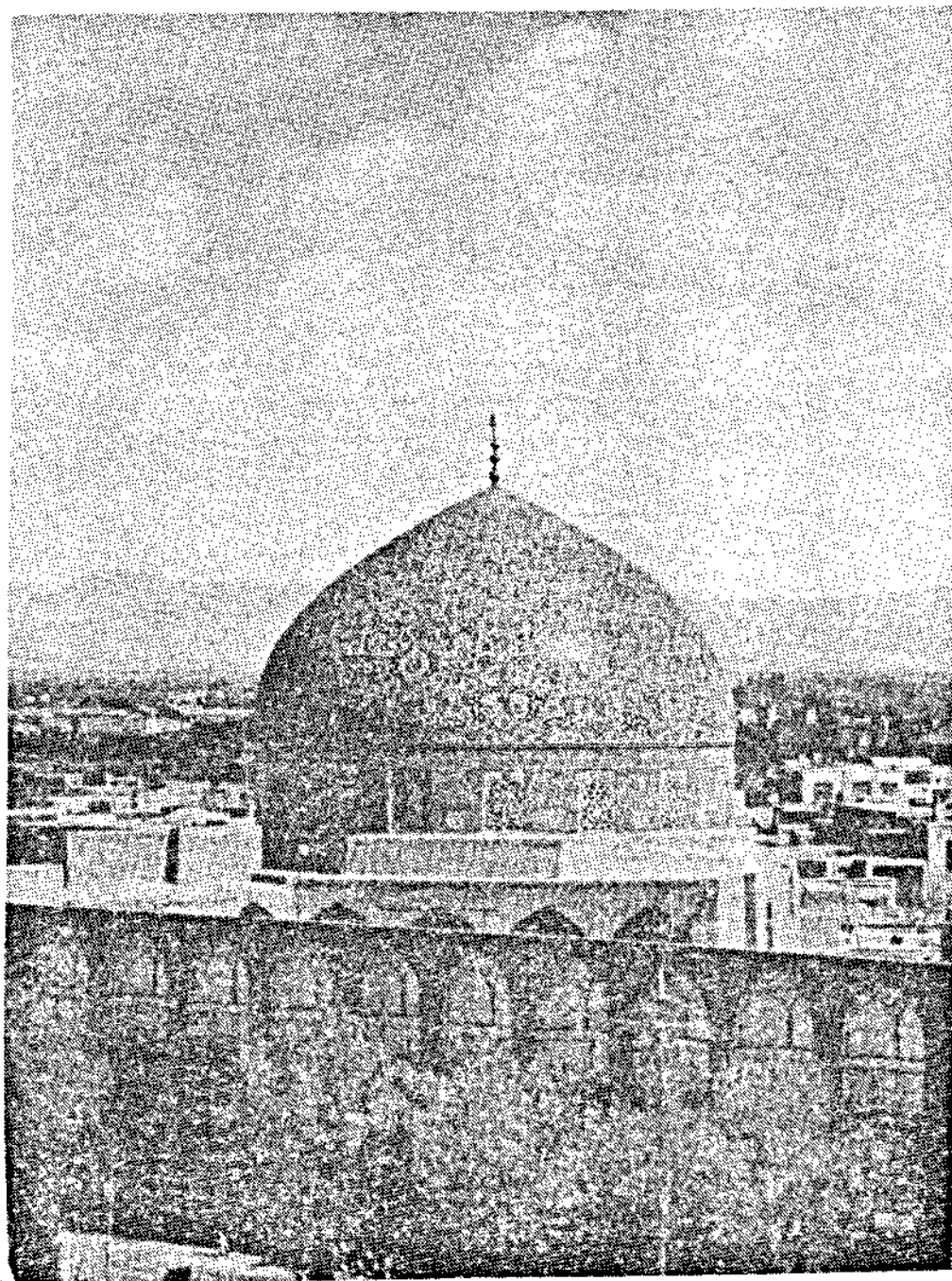
دست او را گرفته و از مدارج کمال بالا می‌برد و به اوج قلّه افتخار می‌رساند، او را هماهنگ با قوانین عالم هستی می‌کند و عالم هستی را در تسخیر او قرار می‌دهد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «المَرْءُ بِإِيْمَانِهِ» یعنی: معیار انسان ایمان او است. (۵)

از حضرت علی علیه السلام پرسیدند آیا ایمان گفتار و کردار است یا گفتار بدون کردار؟ حضرت فرمود: ایمان تصدیق کردن به قلب است و اعتراف کردن به زبان و عمل کردن به ارکان و در واقع ایمان همه‌اش عملی است. (۶)

امام صادق علیه السلام فرمودند: ایمان جز به عمل نیست و عمل بخشی از آن است و ایمان جز به عمل ثابت نمی‌شود. (۷)

ایمان در نظام قرآنی پایگاه تربیتی بلندی دارد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: ایمان همه عمل است (۸)، و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: معاد جولانگاه عمل است و اینکه در آیه ۱۸ سوره توبه بلافاصله پس از ایمان به خدا، بحث ایمان به آخرت مطرح می‌گردد، برای همین است که ایمان همه عمل است و جولانگاه این عمل هم آخرت است و بنابراین این دو یعنی ایمان به خدا و ایمان به آخرت، لازم و ملزوم یکدیگرند و انسان مؤمن یقین دارد که چنانچه عملی صالح و از روی ایمان به خدا در این جهان انجام دهد حتماً نتیجه و پاداش آنرا در آخرت دریافت خواهد داشت، و خداوند در قرآن کریم آنرا تضمین نموده است آنجا که در سوره نساء آیه ۱۲۴ می‌فرماید:



گنبد مسجد شیخ لطف‌الله و قسمتی از نمای میدان نقش جهان یا میدان شاه اصفهان (قرن ۱۱ هجری)

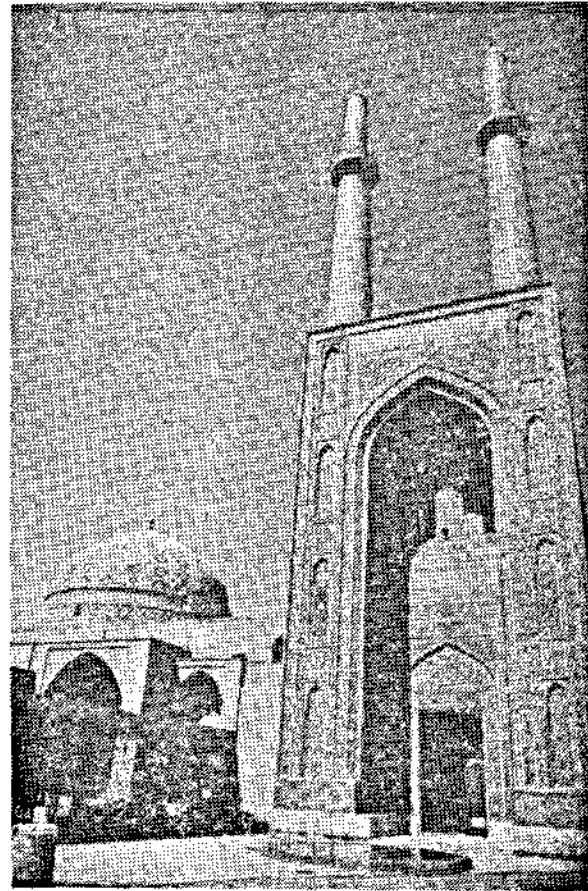
خودخواهی و غرور را کنار می‌زند، افق دید انسان را می‌گشاید و شکوه و عظمت بی‌مانند آفرینش را در نظر او مجسم می‌کند، سپس نور و روشنایی بر عواطف او می‌پاشد و آنها را

چرا در آیه ۱۸ سوره توبه شرط عمران و آبادانی مسجد ایمان به خدا بوده است، زیرا «ایمان» به خدا قبل از هر چیز درک تازه‌ای از عالم هستی به انسان می‌دهد، حجابها و پرده‌های

و از این فرمایش مولای متقیان حضرت علی علیه السلام استفاده می‌نمائیم که به سبب ایمان و اعمال صالحه که نتیجه همان ایمان به خدا است، علم و دانائی شخص شکوفا می‌گردد و لذا اثری که او بوجود می‌آورد دارای محتوای معنوی و الهی خواهد بود در مقابل شخص بی‌ایمان به لحاظ نداشتن انگیزه معنوی نمی‌تواند اثر معنوی خلق نماید، و لذا کالبد و فضائی که بوجود می‌آورد ولو اسم آنرا مسجد بگذارد دارای روح معنوی نمی‌باشد که در معماری معاصر ایران چنین نمونه‌هایی داریم که در اینجا از ذکر نام آنها خودداری گردیده است که یقیناً این نیست جز همان نداشتن شرایطی که در آیه ۱۸ سوره توبه در باره عمارت مسجد ذکر گردیده است، یعنی شخصی که ایمان به خدا و روز قیامت ندارد و نه تنها نماز برپا نمی‌دارد بلکه نماز هم نمی‌خواند چگونه می‌تواند اثری خلق کند که وارد شوندگان به چنین فضائی به یاد خدا و قیامت افتند و فضا را فضائی الهی و معنوی ببینند حتی مشاهده می‌کنیم که لحن قرآن کریم در آیه ۱۰۸ سوره توبه که خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد بسیار سختگیرانه‌تر است، که این خطاب را در ذیل مشاهده می‌نمائیم.

لزوم اساس و شالوده مسجد بر تقوی:

«لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رَجُلٌ يَخْبِتُ أَنْ يَنْظُرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ: تو ای رسول، هرگز در مسجد آنها قدم مگذار که همان مسجد (قبا) که بنیانش از اول برپایه تقوا محکم بنا گردیده است سزاوارتر است که در آن اقامه نماز کنی.» (توبه - ۱۰۸)



نمای کلی از مسجد کبیر یزد

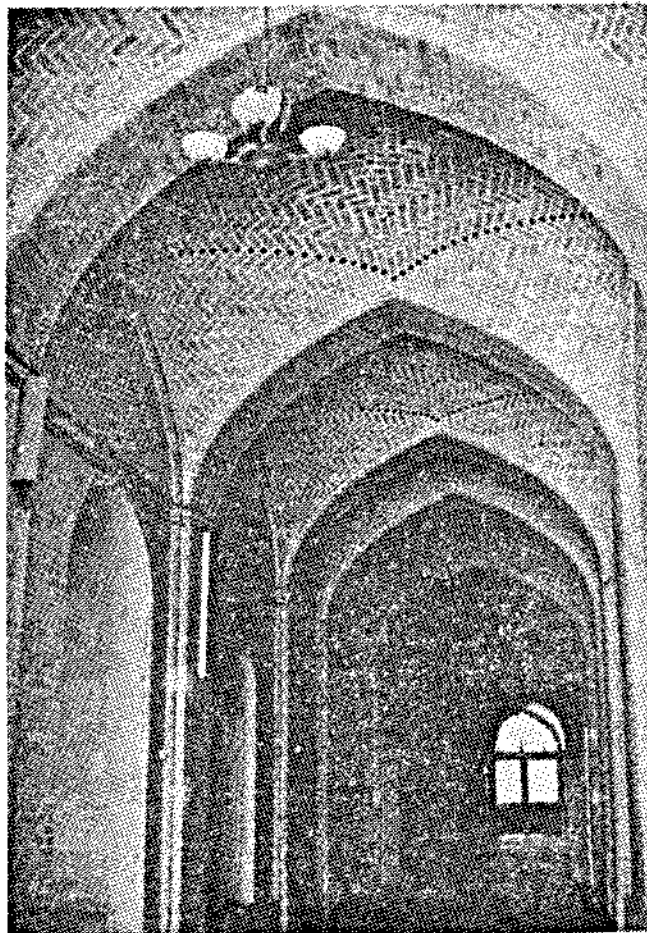
می‌تواند این فضا و کالبد روی دیگران اثر معنوی بگذارد که این کار از شخصی که معتقد به خدا و روز قیامت نیست بر نمی‌آید، یا به عبارت دیگر می‌توان گفت چنین توفیقی نصیب او نخواهد دلیل آنرا می‌توان از میان کلمات گهربار معصومین علیهم السلام استفاده نمود آنجا که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا بَنَى اللَّهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»، یعنی: هرکسی مسجدی بسازد، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او می‌سازد. (۹) یا حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِيَذْكُرَ اللَّهَ بَنَى لِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»، یعنی هرکسی مسجدی را به قصد این که در آن نام خدا برده شود بسازد برای وی خانه‌ای در بهشت ساخته می‌شود. (۱۰)

«وَمَنْ يَعْمَلُ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ آثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ، فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا: هر که از مرد و زن کارهای نیکو کند و مؤمن باشد، از کسانی است که به بهشت در می‌آیند و به اندازه نقیری (اندک و خرد) ستم نمی‌بینند.»

اثر ایمان بر کالبد مسجد:

حال با توجه به آیات و احادیث معصومین علیهم السلام که در مورد ایمان بیان گردید، مجدداً برمی‌گردیم به آیه «أَمَّا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ...» و تأثیر آنرا بر معماری مسجد مورد بررسی قرار می‌دهیم، یعنی شخصی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد چگونه فضا و کالبدی بوجود می‌آورد که علاوه بر اینکه خود او از آن بهره معنوی می‌برد

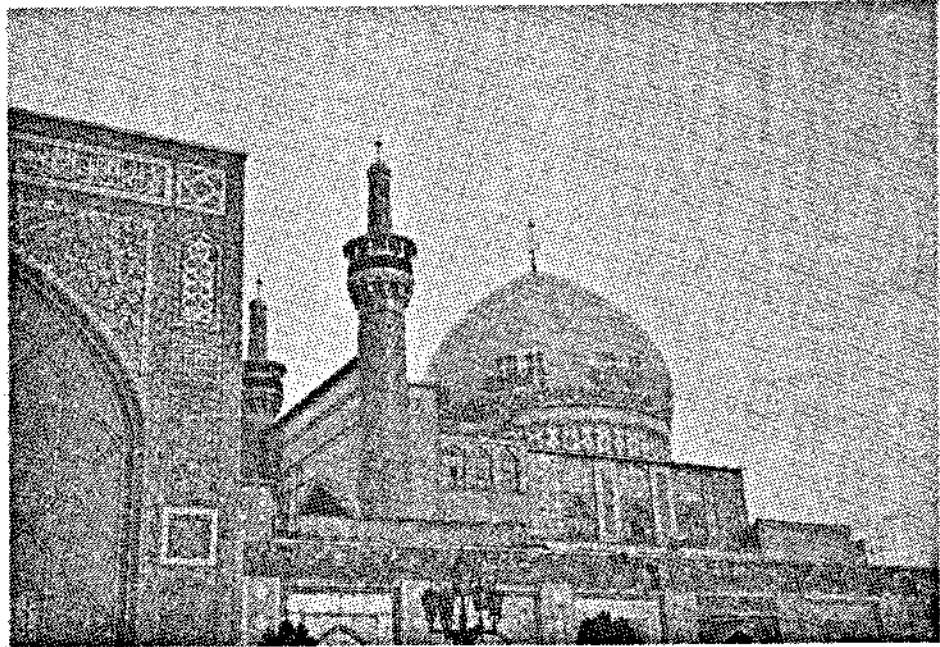
باشد در چنین مسجدی نماز بجا نیارود و همیشه در مسجدی نماز بجای آورد که پایه‌های آن بر مبنای تقوی یعنی ایمان به خدا و آخرت بنا گردیده باشد و این پیامی است به تمام مسلمین در طول تاریخ تا قیامت که مسجدی سزاوار برپائی نماز است که پایه‌های آن بر تقوی بنا شده باشد و خداوند متعال پس از فاش کردن نیت منافقین از مسجدسازی و برحذر داشتن پیامبر از اقامه نماز در چنین مسجدی در آیه بعدی یعنی آیه ۱۰۹ از سوره توبه برای این که مردم مسلمان و معتقد متوجه باشند که ارزش اعمال انسان به نیت و خلوص آن بستگی دارد می‌فرماید: «أَفَنُؤَسُّ بِبِنْيَانِهِ عَلٰی تَقْوٰی مِنْ اَللّٰهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ اِمٍ مِنْ اَسْسِ بِنْيَانِهِ عَلٰی شِفَا جِرْفٍ هَارٍ فَا نَهَارٍ بِهٖ فِی نَارٍ جَهَنَّمَ وَ اَللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ.» (۱۰۹ - توبه) آیا کسانی که مسجدی بغرض تقوی و خداپرستی بنا کرده، و رضای حق را طالب است مانند کسی است که بنائی سازد بر پایه سستی در کنار سیل که زود به ویرانی کشد و عاقبت آن بنا از پایه و آتش دوزخ افتد؟ و خدا هرگز ستمکاران را هدایت نخواهد فرمود.



دالان رو به کتابخانه مسجد سپهسالار تهران.

نمودیم خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است که نه تنها نماز در این مسجد نخوان بلکه همواره در مسجدی اقامه نماز کن که پایه و اساس آن از ابتدا بر پایه تقوی بنا گردیده است، یعنی دقیقاً همان چیزی که آیه ۱۸ سوره توبه برای مسجد شرط نموده است، و جالب اینجا است که در این سوره که در قسمتهای ابتدائی سوره شرایط عمارت مسجد آمده است و در قسمتهای پایانی سوره در واقع مصداقهائی از عدم رعایت آن شروط، یعنی اگر در عمارت مسجد آن موازین رعایت نگردد نتیجه مسجد ضرار خواهد بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله هم خطاب می‌گردد که مواظب

آن مردم منافقی که مسجدی برای زیان به اسلام برپا کردند و مقصودشان کفر و عناد و تفرقه کلمه بین مسلمین و مساعدت با دشمنان دیرینه خدا و رسول بود و با این همه قسم‌های موکد یاد می‌کنند که ما جز قصد خیر و توسعه اسلام نداریم، خدا گواهی می‌دهد که محققاً دروغ می‌گویند. این مسجدی است که بر پایه ایمان به خدا و روز قیامت بنا نگردیده است، یعنی پایه‌گذاران این مسجد نه ایمان به خدا داشته‌اند و نه ایمان به آخرت و نه اعتقادی به نماز و زکاة و نه ترسی از خدا و لذا خداوند متعال پیامبر اکرم را بوسیله این آیه متوجه نیت پلید آنها می‌گرداند و همانطوری که ملاحظه



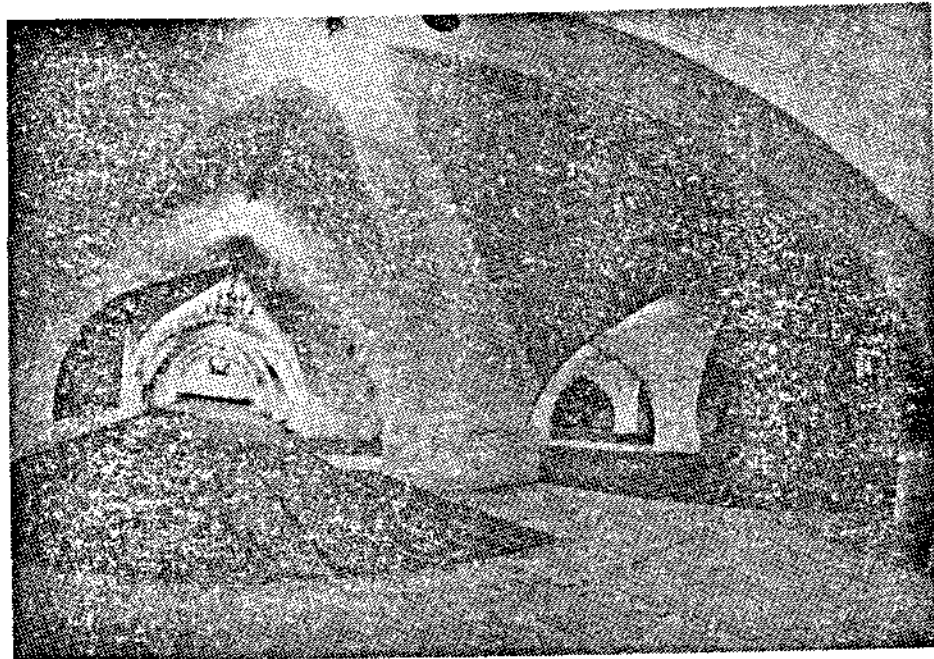
گنبد مسجد گوهرشاد مشهد.

نتیجه:

با توجه به آیات سوره توبه که در خصوص بنای مسجد و نیت بانیان آن بیان گردید، در معماری مسجد رعایت یک اصل برای همه افراد با ایمان الزامی است و آن این است که: «عمران و آبادانی مساجد در صلاحیت همه کس نیست» و این به عنوان اولین اصل در معماری مسجد است قبل از اینکه بخواهیم از نظر فقهی وارد مباحثی شویم که در معماری مسجد بایستی به آن توجه نمود، و شرایط و صلاحیت عمران کننده‌های مساجد هم طی پنج شرط در همان آیه ۱۸ سوره توبه که قبلاً اشاره گردید آمده است که شرط اول و دوم آیه جنبه اعتقادی و زیربنایی دارد یعنی ایمان به خدا و ایمان به آخرت و تا این دو شرط در انسان نباشد، هیچ عمل پاک و شایسته و خالصی از او سر نمی‌زند ولی همانطوری که ملاحظه می‌نمائیم و در متن آیه آمده است این دو شرط لازم

است ولی کافی نیست و عمران و آبادکننده مسجد به شروط دیگری نیازمند است و از جمله برپاداشتن نماز و پرداخت زکوة و بالاخره اینکه جز از خدا از کسی نترسد یعنی ایمان به خدا و روز رستاخیز تنها در مرحله ادعا نباشد، بلکه با اعمال پاکش همچون نماز و زکوة آنرا تأیید کند، یعنی همه پیوندش با خدا محکم باشد و نماز را به درستی انجام دهد و هم پیوندش با خلق خدا، یعنی زکوة بپردازد و شرط آخر اینکه قلبش مملو از عشق به خدا باشد و تنها احساس مسئولیت در برابر فرمان او کند و بسندگان ضعیف را کوچکتر از آن می‌شمرد که بتوانند در سرنوشت او و جامعه او و آینده و پیروزی و پیشرفت او و بالاخره در عمران و آبادی کانون عبادت مسلمین تأثیری داشته باشد و این گونه مؤمن با آن شرایطی که ذکر شد امید است که مشمول هدایت پروردگار متعال قرار گیرند و بدیهی

است کسی که مشمول هدایت پروردگار قرار گیرد حرکات و افعال او هم به نوبه خود هدایت‌کننده است، و چنانچه بنای مسجد توسط این چنین افرادی صورت گیرد مسلماً این‌گونه مساجد به لحاظ هدایت پروردگار کانونی برای حرکت و جنبش‌های سازنده اسلامی خواهد بود و سبب آگاهی و بیداری بیشتر مردم خواهد گردید - انشاء الله.



شبهستان زمستانی مسجد جامع اصفهان.

پی‌نوشتها:

۱. مسجد شاه تهران بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی بنام امام خمینی (ره) و مسجد سپهسالار بنام شهید مطهری نام‌گذاری گردیده است و شاید به برکت نام این بزرگواران تأثیر دیگری داشته باشد که این امر نیز خود تأثیر نقش انسان در معماری مسجد را نشان می‌دهد.
۲. قرآن کریم، سوره توبه، آیات ۱۰۷ و ۱۰۸.
۳. قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۸.
۴. مجمع‌البیان، جلد ۹، ص ۱۳۸.
۵. غررالحکم - جلد ۱۵.
۶. مستدرک - جلد ۲، ص ۲۷۱.
۷. وسائل، ۶، ۲۷۱.
۸. اصول کافی - جلد ۲، ص ۲۴.
۹. وسائل الشیعه - جلد ۳، ص ۳۸۵.
- کنز العمال - جلد ۷، ص ۳۶۹.
۱۰. روضة الواعظین، ص ۳۸۰.
۱۱. نهج‌البلاغه - خطبه ۱۵۵، ص ۳۸۹.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
- فیض‌الاسلام: شرح نهج‌البلاغه حضرت امیر علیه‌السلام، انتشارات اسلامیة.
- استاد مکارم شیرازی: تفسیر نمونه، دارالمکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹.
- محمدرضا حکیمی: الحیاء، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
- امام خمینی: توضیح المسائل، انتشارات محراب، ۱۳۵۹.
- علامه سید محمدحسین طباطبائی: تفسیر المیزان، انتشارات محمّدی، ۱۳۶۰.
- عباس عزیزی: فضائل و آثار مسجد در آئینه قرآن و حدیث، انتشارات نبوغ، ۱۳۷۶.